



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

کے نام اقبال

محیط طباطبائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب اقدس

نویسنده:

محمد محیط طباطبائی

ناشر چاپی:

نشریه زمانه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	کتاب اقدس
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه (ذبیح الله نعیمیان)
۷	کتاب شناسی آثار باییت و بهائیت از منظر استاد محیط
۱۰	کتاب اقدس، آکنده از اغلاط ادبی و املائی
۱۴	پاورقی
۱۵	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

کتاب اقدس

مشخصات کتاب

مؤلف: محیط طباطبایی

مجله زمانه / چاپ دوم / سال ششم / شماره ۶۱ / مهر ۱۳۸۶

بر گرفته از:

مقدمه (ذبیح الله نعیمان)

نگارش کتاب به منظور تشریح و تبلیغ عقاید، و شرح زندگی رهبران، از ابزارها و وسایلی است که فرق و مکاتب مختلف در طی تاریخ به آن توجه نموده و به منظور ترویج عقاید خود از آن سود جستند. بابت و بهائیت نیز از این امر مستثنا نیستند. پیروان این فرقه‌ها متناسب با زمان و شرایط اجتماعی و سیاسی خود، کتاب‌هایی تحریر کرده و به نوعی حتی کتب قبلی خود را تصحیح نموده‌اند. بررسی سیر این نوشته‌ها از موضوعاتی است که ما را در شناخت بیشتر این فرقه‌ها و چرایی تغییر دیدگاه‌هایشان یاری می‌دهد. استاد محیط طباطبایی از محققان نام‌آشنایی است که در دهه‌ی ۱۳۵۰ کار کتاب‌شناسی آثار بابت و بهائیت را انجام داده و حاصل این پژوهش خود را در سلسله مقالاتی عرضه کرده است. توضیح این مقالات، و نقل آن‌ها موضوع نوشتار حاضر می‌باشد. روانشاد استاد سید محمد محیط طباطبایی (خرداد ۱۲۸۱ - مرداد ۱۳۷۱) محقق، نویسنده، خطیب، معلم، منتقد، فرهنگبان، تاریخدان، نسابه، ادیب، شاعر و روزنامه‌نگار آزاده، مبارز، کوشا، نکته‌سنج، مبتکر و پرآوازه‌ی عصر ماست که علاوه بر تسلط بر زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسوی، با زبان‌های کهن شرقی: پهلوی، سغدی، خوارزمی، اوستایی و سریانی نیز (به اقتضای تحقیقات و پژوهش‌های علمی خود) آشنایی نسبی داشت و دقت نظر و گستره‌ی معلومات و قوت و حافظه‌اش، مورد قبول بلکه اعجاب اندیشمندان بود. به نوشته‌ی آقایان حبیب یغمایی، دکتر جعفر شهیدی، باستانی پاریزی و ایرج افشار، «به اتفاق دانشمندان و استادان و شاعران و نویسندگان و محققان و صاحب نظران معاصر، استاد سید محمد طباطبایی در فنون ادب و تبحر در علوم و تحقیق، صاحب نظری است مسلم و متبع، و این دقایق در مقالات و قطعات آن جناب که بی انقطاع در جراید و مجلات و رادیو انتشار یافته و می‌یابد گواهی است عدل.» [۱]. کارنامه‌ی علمی و فرهنگی استاد محیط، اوراق زرینی دارد. مدیریت توانای مجله‌های وزینی چون «آموزش و پرورش» و «محیط» در دهه‌ی ۱۳۲۰ - ۱۳۱۰. ش، سرپرستی و اجرای حدود بیست سال برنامه‌ی علمی و جذاب «مرزهای دانش» در سال‌های ۱۳۵۷ - ۱۳۳۸، ریزنی فرهنگی ایران در دهلی، بغداد، دمشق، بیروت و پاریس در سال‌های ۱۳۳۴ - ۱۳۲۷، و عضویت در فرهنگستان زبان و ادب ایران (۱۳۶۹ به بعد) بعضی از این اوراق زرین‌اند. پروفیسور آصف فکرت، درباره‌ی برنامه‌ی «مرزهای دانش»، گفته است: «برای من آن برنامه، یک کلاس پیشرفته‌ی ادبیات و تاریخ و فرهنگ بود. استاد محیط که سخن می‌گفت، در ذهن من در آن روزها چنان بود که شاهنشاهی مقتدر در قلمروش فرمان براند و فرمانش بی‌چون و چرا روان باشد. او هم فرمانروای قلمرو ادب و تاریخ و فرهنگ بود. با قدرت سخن می‌گفت که به آنچه می‌گفت دانا بود و بر آن تسلط داشت. نام هم سنگین و پر صلابتی بود: مرزهای دانش...» علاوه بر تألیف چندین کتاب ارزشمند (همچون «نقش سید جمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین» و «تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران»)، نگارش متجاوز از ۲۵۰۰ مقاله در مطبوعات مختلف (مهر، تعلیم و تربیت، ارمغان، گوهر و...) و ایراد ششصد خطابه در همایش‌های گوناگون داخل و خارج کشور - و همگی علمی و تحقیقی - در موضوع تاریخ، جغرافیا، ادبیات، زبان، کتاب‌شناسی، هنر و...، حاصل تکاپوی بیش از شصت سال فعالیت علمی و فرهنگی استاد را تشکیل می‌دهد که بجاست بازماندگان دانشمند وی به تدوین و انتشار آن‌ها - در قالب مجموعه آثار - همت

گمارند. انجمن آثار ملی، با افتخار، در سال ۱۳۵۷ جایزه‌ی یک میلیون ریالی خود را به پاس مجموع تحقیقات و خدمات و آثار یک محقق در طی عمرش، به وی تقدیم کرد. نیز در همان سال، مجموعه مقالات ده‌ها استاد و دانشمند را (که به هدف پاسداشت مقام عالی علمی و اخلاقی محیط توسط آقایان حبیب یغمایی و دکتر سید جعفر شهیدی و دیگران، گردآوری شده و با عنوان «محیط ادب» به چاپ رسیده بود) در مجلس دوستانه‌ی فرهنگی، دکتر علی اکبر سیاسی به جناب محیط اهدا کرد. مقامات بلند علمی و منش اخلاقی استوار او، شهره‌ی مجامع علمی بود و فرهیختگان بسیاری، از علامه طباطبایی (مؤلف تفسیر ارجمند المیزان) و استاد مرتضی مطهری تا دکتر عبدالحسین زرین کوب، دکتر عباس زریاب خویی، دکتر باستانی پاریزی، دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر محمد اسماعیل رضوانی، دکتر محمدامین ریاحی، پروفیسور آصف فکرت، امیری فیروز کوهی، سید محمد علی جمالزاده، سید حبیب یغمایی، سید محمد رضا جلالی نائینی، انجوی شیرازی، عبدالعلی کارنگ، احمد اقتداری و دیگران، به توصیف مکارم اخلاق و احوال وی رطب اللسان بوده و هستند. به گفته‌ی دکتر زرین کوب: «استاد محیط طباطبایی، خود تاریخ زنده و پویای یک قرن بود؛ تاریخ یکی دو قرن قبل از خود را نیز با مطالعه‌ی مستمر، با کنجکاوی و موشکافی، از آن خود کرده بود. در آنچه به تاریخ و ادبیات قرن‌های اخیر مربوط می‌شد قول او راهگشا بود.» دکتر عباس زریاب خویی، که از اواسط دهه‌ی ۱۳۲۰ با محیط از نزدیک در تماس بوده، از «حافظه‌ی نیرومند» او یاد کرده است که «مخزنی آکنده از معلومات و اطلاعات بسیار وسیع و گران‌بها در تاریخ، ادب و فرهنگ ایران و اقوام مهاجر» بود و افزوده است: «اطلاعات او در مورد تاریخ قاجار و نیز رویدادهای زمان معاصر، شرح حال رجال سیاسی و ادبی، سوابق اخلاقی، اجتماعی و سیاسی آنان بسیار چشمگیر بود. این گونه اطلاعات درباره‌ی رجال معاصر و قریب به زمان ما در آن دوران، در کمتر کتاب یا مجموعه‌ای دیده می‌شد و یا اصلاً دیده نمی‌شد.» انجوی شیرازی، محیط را «پژوهشگری پرمایه، جامع و شایسته‌ی نام خویش» شمرده و با اشاره به تکاپوی مستمر نیم قرنه‌ی وی در جستجوی نسخه‌های مخطوط و کتاب‌های چاپی تازه در کتابخانه‌های تهران، نوشته است: «این آسان نیست که یک نفر بیش از هفتاد سال غرق در مطالعه و تحقیق باشد. استاد محیط بیش از هزار رساله و مقاله علمی، ادبی، انتقادی و تحقیقی دارد. در ده‌ها کنفرانس و سمینار و کنگره‌ی علمی و تحقیقی در خارج و داخل شرکت کرده بود.» باستانی پاریزی، که کلاس درس محیط درباره‌ی تاریخ تمدن جدید را درک کرده، مدعی است که در آن ساعات معدود، «به اندازه‌ی سال‌ها و قرن‌ها از محضر پربرکت آن استاد ضعیف نواز بهره بردم... استادی که در فضیلت و مردمی و استغنا و بی‌باکی و خیرخواهی و دفاع از حقوق جامعه ضرب المثل است.» سید محمد علی جمالزاده بر ویژگی‌هایی چون پر اطلاعی، ژرف بینی، بی‌غرضی و انصاف در استاد محیط انگشت تأکید نهاده است: «استاد ارجمند و امروز یکتا محقق واقعی بی‌غرض و مرض و خالی از تعصب و با مطالعه و اطلاع و ژرف بینی ما، آقای سید محمد محیط طباطبایی...» و بالاخره احمد اقتداری معتقد است که «استاد محیط، محیط فضل و آداب است و در جمع استادان شمع اصحاب. اما گذشته از جلالت قدر و علو مرتبت علمی و پختگی و وسعت اطلاع، امروزه، بحق، استاد همه ادب پروران ایران است و به خاطر زبان و ادب کهنسال فارسی چه رنج‌ها که برده است و چه دردها که در دل نهفته است... وجود گرامی‌اش کم نظیر است و در کشاکش دوران، چون سنگ آسیا، قدیم و قویم و در پاسداری از ادب فارسی و فرهنگ ایرانی، پابرجا و استوار مانده است.» [۲].

استاد محیط در اواسط دهه ۱۳۵۰ در ماهنامه‌ی وزین «گوهر» (مدیر مسئول: مرتضی کامران) به درج یک سلسله مقالات علمی و انتقادی راجع به تاریخ و متون تاریخی و کلامی مهم بایان و بهائیان (همچون نقطه الکاف و مطالع الانوار) اقدام نمود که چنان که انتظار می‌رفت با استقبال فراوان محققان و پژوهشگران روبه رو شد و متقابلاً واکنش خصمانه‌ی وابستگان به آن دو فرقه را برانگیخت و موجب پاسخگویی استاد شد. توضیح این مقالات، موضوع گفتار بعدی ماست.

می‌دانیم که دو کتاب یا دو گونه تاریخ قدیم و جدید در میان بایان و گروه‌های منشعب از آنان رواج داشته است. تاریخ قدیم در ۱۲۷۹. ق و تاریخ جدید در ۱۲۹۱. ق شکل گرفته است. ظاهراً نویسنده‌ی تاریخ قدیم یک نفر اصفهانی بود و تا ۱۲۹۰ تنها مرجع تاریخی این گروه قرار داشته است و در دوره‌ای نوشته شده است که اعدام شیخ علی عظیم (شیخ علی ترشیزی) شاگرد سید کاظم رشتی و (به نظر استاد محیط) جانشین مسلم علی محمد باب، در ۱۲۶۸. ق و پس از سوء قصد نافرجام به ناصرالدین شاه به دستور او، زمینه را برای میدان داری و ریاست برادران نوری (بهاء الله و صبح ازل) آماده ساخت. این زمان، هنوز بابت از درگیری‌های فرقه‌ای آن دو برادر رنگ نگرفته بود. تاریخ جدید توسط یک یا چند نفر، اما، در دوره‌ای نوشته شده است که دو شاخه‌ی بابت (ازلیت و بهائیت) با یکدیگر در نزاع داغ فرقه گرایانه بودند و از سوی دیگر، سران بهائیت تصمیم گرفته بودند روابط خود را با دربار قاجار و ناصرالدین شاه بهبود بخشند و از این رو، در تاریخ جدید، دشنام‌های فراوان پیشین را کنار نهادند و ثناگوی شاه شدند؛ چنان که با بهره‌گیری از رسائل میرزا ملکم خان (با بهره‌ی تلیقی از عین عبارات او) و شیوه‌ی نگارشی رسائل آخوندزاده (به ویژه در رساله‌ی گفت و گوهای جمال الدوله هندی و کمال الدوله در دین ستیزی از زبان سیاح بیگانه) دنبال مخاطبان جدیدی می‌گشتند. مؤلف این کتاب جدید نامعلوم بود. عده‌ای، میرزا ابوالفضل گلپایگانی و گروهی، مانکجی هاترایای گجراتی زردشتی را نویسنده‌ی آن می‌دانستند. میرزا ابوالفضل گلپایگانی، به گونه‌ای غیره مستقیم میرزا حسین همدانی (تهرانی بنا به نسخه‌ی مانکجی، منشی مانکجی، را نویسنده‌ی آن دانسته است. در هر حال، در این مقطع، پروفیسور ادوارد براون که با سران مختلف ازلیان و بهائیان ارتباط داشت، به انتشار تاریخ قدیم بابت در ۱۳۲۸. ق / ۱۹۱۰. م دست زد و به اعتماد قول میرزا ابوالفضل گلپایگانی، آن را به حاجی میرزا جانی کاشانی مربوط دانست. در مقالات «کتابی بی‌نام با نامی تازه» و «تاریخ قدیم و جدید» به خامه‌ی محیط طباطبایی، کیفیت نام گذاری تاریخ منتشر شده توسط ادوارد براون - با همکاری شیخ محمدخان قزوینی - به نقطه الکاف، و فضای تاریخی تدوین تواریخ بابت بررسی شده است. [۳] براون پیش از آن به دنبال تاریخ قدیمی بود که تاریخ جدید از آن اقتباس شده بود. از این رو، با دیدن دو نسخه در میراث کنت گوینو، که «نقطه الکاف» به عنوان یک بخش از آن خوانده شده بود، به انتشار تاریخ یاد شده دست زد. نکات زیر، برخی از مواردی است که استاد محیط طباطبایی به آن‌ها توجه کرده است: ۱ - نسخه‌ی مورد استفاده‌ی ادوارد براون، نه دارای اسم مؤلف است و نه دارای عنوان کتاب، و تاریخ تحریر و تاریخ انتقال آن به پاریس. اما شباهت حوادث تاریخ قدیم و جدید، باعث باعث شده است آن نسخه را نسخه‌ی تاریخ قدیم و نویسنده‌ی آن را حاجی میرزا جانی (معروف به نقطه‌ی کافی، مؤلف رساله‌ی نقطه الکاف) بداند، در حالی که طرفین ازلی و بهائی، یعنی مدعیان جانشینی باب، در موقع انتشار آن، این نسبت را با اطمینان تلقی نمی‌کرده‌اند. ۲ - رساله‌ای که براون، عنوان رساله را از آن اقتباس کرده و در ۱۲۷۹. ق تحریر یافته، نوشته‌ای تاریخی نبوده، بلکه رساله‌ای کلامی است و کاتب به علتی نامعلوم یا به اشتباه آن را به تاریخ قدیم بایه متصل کرده است. در ضمن، تاریخ تألیف این رساله ۱۲۶۴ یا ۱۲۶۷. ق می‌باشد، در حالی که مقدمه‌ی تاریخ قدیم در ۱۲۷۰. ق تألیف یافته است. ۳ - نه تنها از حاجی میرزا جانی کاشانی در بعضی از حوادث، در این کتاب به عنوان «ناقل یا منقول عنه» یاد شده، اساساً او دو سال جلوتر از تألیف تاریخ قدیم در گذشته است و نویسنده‌ی این تاریخ، احتمالاً محمدرضا نام اصفهانی می‌باشد که در بغداد بوده است و حاجی میرزا جانی، که براون تاریخ قدیم را به او نسبت داده، نامی است که نخستین بار میرزا ابوالفضل گلپایگانی، آن را در رساله‌ی اسکندریه ذکر کرده است. به ادعای گلپایگانی منشی مانکجی که از طرف او مأمور نوشتن تاریخ بایه شده بود، نزد او آمد و از او درخواست همکاری نمود. او نیز وی را به تاریخ حاجی میرزا جانی کاشانی حواله داد. ۴ - استاد محیط طباطبایی معتقد است همه‌ی نسخه‌های تاریخ قدیم - که در هیچ موردی با نام مؤلف همراه نبوده - بر خلاف تصور ادوارد براون، هرگز از میان نرفته و محیط طباطبایی خود، دست کم از شش نسخه‌ی آن خبر داشته و سه نسخه را با نسخه‌ی گوینو مقایسه کرده است. او یاد آور شده است که غیر از نسخه‌ی گوینوی کتابخانه‌ی پاریس، دو نسخه‌ی دیگری که او دیده، رساله‌ی اعتقادی‌ی

نقطه الکاف را در ابتدا ندارند و شاهدهی دیگر بر نام مؤلف و نام کتاب تاریخ قدیم در آنها نیست؛ چنان که نسخه‌ی مانکجی در بمبئی نیز فقط نام میرزا حسین طهرانی را بر خود دارد. محیط طباطبایی در مقاله‌ی «از تحقیق و تتبع تا تصدیق و تبلیغ فرق بسیار است» [۴] یکی دیگر از منابع تاریخی بایبان به نام تاریخ نبیل زرنندی را بررسی کرده است. پیش از بررسی دیدگاه او و برای درک بهتر از جایگاه تاریخی این نوشته، در ذیل در خصوص سیر تاریخی کتاب‌های تاریخی شاخه‌های بابی توضیح داده شده است. انتشار کتاب موسوم به نقطه الکاف توسط ادوارد براون، ناخرسندی بهائیان را به دنبال داشت و آنها این کار را اقدامی به سود رقیبان ازلی خویش تلقی کردند. از این رو، به دستور عبدالبهاء، میرزا ابوالفضل گلپایگانی در پاسخ به آن، به تألیف تاریخ مستقلی به نام کشف الغطا دست زد که به علت مرگ او ناتمام ماند و مهدی گلپایگانی آن را تمام کرد و آن را در عشق‌آباد از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴. ق، منتشر کردند و البته به دلیل تغییر جو سیاسی خاورمیانه پس از فروپاشی امپراتور تزاری (حامی پیشین بهائیت)، و حاکمیت بریتانیا بر فلسطین، و هراس از تقابل با پروفیسور انگلیسی، نسخه‌های کشف الغطاء را به سرعت جمع نمودند و سوزاندند. چنان که پس از آن، تحریر نسخه‌ی محمد قاینی نبیل (اهل عالین) در ۱۳۰۰. ق، به سود بهاء تمام شد. عجیب آنکه، بعد از او فقط محمد تقی همدانی در احقاق الحق از آن نقل قول کرده است و البته مانند براون او را نمی‌شناخت. سه سال بعد، عباس افندی با تصرفاتی، آن را به سود پدرش و به عنوان جانشینی برای تاریخ قدیم و جدید تحریر کرد و در ۱۳۰۷. ق به براون در عکا هدیه داد. عبدالحسین آواره (آیتی بعدی) نیز در خلأ حاصل از سوختن کشف الغطاء در ۱۹۱۷. م، کواکب الدریه را از ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۱. م نوشت، اما بازگشت او از بهائیت، آن کتاب را از اعتبار ساقط کرد. پس از آن آواره خود را آیتی نام نهاد. بعد از مدتی با تلاش شوقی افندی، کتابی انگلیسی با عنوان «امواج نور» یا «دوان بریکرز» به عنوان تاریخ نبیل زرنندی (ملا محمد نبیل زرنندی شاعر مداح میرزا حسینعلی بها) در ۱۹۲۷ یا ۱۹۳۲. م منتشر شد. عبدالبهاء مقدمه‌ی سیاح جعلی را حذف کرد و کتاب را مقاله‌ی سیاح نامید. این کتاب بعداً به عربی و با عنوان مطالع الانوار منتشر گشت و از عربی نیز به فارسی برگردانده و به عنوان تلخیص تاریخ نبیل منتشر شد. این کتاب، که در هیچ کدام از نوشته‌های پیشین نامی از آن نرفته بود، مورد تردید بسیاری قرار گرفت. جالب آن است که این کتاب که هیچ سابقه‌ی ذهنی از آن وجود نداشت، بنا به اشاره‌ای در آن، در سال ۱۳۰۵. ق یعنی دو سال پیش از سفر ادوارد براون به عکا تألیف شد و روشن نیست چرا به او هدیه داده نشد. محیط طباطبایی با گزارش این سیر تاریخی در پاسخ به منتقدی به نام دکتر علیمراد داودی - استاد فلسفه‌ی دانشکده‌ی ادبیات تهران که گویا گرایش‌های بهایی دارد - او را در اینکه مطالع الانوار را نگاهشته‌ی شوقی افندی می‌داند، با خود هم رأی خوانده و این شاهد تاریخی را آورده است که چرا تاریخ نویسان قدیمی به جای استاد به محتویات آن تاریخ، به منقولات شفاهی دیگران تکیه کرده‌اند؛ کتابی که می‌توانست پاسخ مناسبی در برابر نسخه‌ی تاریخ قدیم منتشر شده توسط ادوارد براون باشد. چنان که اشاره نکردن عبدالبهاء به این کتاب در تذکره الوفا را شاهدهی بر صحت نظر خود مبنی بر جعل کتاب یاد شده توسط شوقی افندی دانسته است. محیط طباطبایی که از وارد شدن به بحث‌های فرقه‌ای گریزان است، در پاسخ به نقدی مفصل و فرقه‌ای از جانب نوابزاده اردکانی در همان نشریه‌ی بهایی، بر ابعاد کتاب پژوهی خود تأکید کرده و حمله‌ی فرقه‌گرایانه‌ی او را به علامه محمدخان قزوینی و ادوارد براون در چاپ کتاب قدیم به دور از انصاف دانسته است. چنان که نقد خود بر آنان را متضمن تأیید نظر بهائیان در جعلی بودن نسخه‌ی گوینو، که به سود ازلیان بود، ندانسته و پژوهش خود را به دور از نزاع بهائیان با ازلیان خوانده است. وی به دسته‌ای دیگر از نقدهای او پاسخ داده و سرانجام او را به انکار اصل تاریخ قدیم متمایل یافته است؛ امری که راه بحث را می‌بندد. به رغم تکرار این نکته از جانب محیط طباطبایی که او به دنبال تأیید یا رد طرفین نزاع نیست، گروهی از طرفین تحقیق کتاب شناسی او را از این منظر نگریستند و بر او خرده‌ها گرفتند. از این رو، او در مقاله‌ی دیگری به نام «ادامه‌ی بحث درباره‌ی نقطه الکاف» به بعضی از نقدها پاسخ داده و بر مدعیات خود، به ویژه بطلان استناد تاریخ قدیم به میرزا جانی و اصفهانی بودن مؤلف، تأکید کرده است. [۵]. محیط طباطبایی در مقاله‌ی «کتاب اقدس» در مورد

کتاب شناسی این اثر میرزا حسینعلی بها بحث نموده است. این کتاب در ۱۲۹۰ یا ۱۲۹۲. ق تدوین شد. وی در ایام پیری و در ۱۳۰۸. ق، پسرش میرزا محمد علی غصن اکبر و میرزا آقاجان کاشی را برای چاپ و انتشار آثارش به بمبئی روانه کرد و برای بستن دهان عیب‌جویان، آنان را در اعمال اصلاحات مورد نیاز ترغیب نمود و به آنان اجازه‌ی لازم را داد. از این رو، اختلاف‌های فاحشی در متون خطی - به دلیل اصلاح آن‌ها در زمان حیات بها - و نیز میان آن‌ها با متون چاپی رخ داده است. طباطبایی با تأکید بر این مطلب، به دنبال حل این معماست که چرا بهائیان از چاپ مجدد این کتاب که روزگاری به دنبال آن بودند، امتناع کردند. او این پاسخ را اگر چه صحیح، اما کافی نمی‌داند که خوف بهائیان از زمینه‌ی بروز خرده‌گیری‌های عربی‌دانان بر اشتباهات فراوان و فاحش ادبی در این متن، عربی، علت پرهیز از چاپ مجدد آن است. وی در نهایت این جمع‌بندی را کرده است که بازماندگان عباس افندی غص اعظم اگر بخواهند به انتشار آن دست یازند، ناگزیزند به انتشار نسخه‌ی اصلاح شده‌ی غصن اکبر رقیب عباس افندی دست یازند و این امر از منظر اختلافات فرقه‌ای به زبان آن‌هاست و از این رو، از انتشار آن پرهیز دارند. [۶]. محیط طباطبایی در نوشتار دیگری به عنوان «برهان قاطع»، از قول ضیاء الحکما خاطره‌ای از مرحوم حکیم میرزا حسن جلوه (پسر عم ضیاء الحکما) درباره‌ی حضور وی در جلسه‌ی استادش، میرزا حسن نوری، با سید علی محمد باب و ناتوانی باب از پاسخ به پرسش‌های فلسفی او، نقل کرده که بسیار مغتنم و خواندنی است. [۷]. استاد محیط در مقاله‌ی «رساله‌ی خالویه یا ایقان»، به دنبال بررسی اصرار بهاء بر تصحیح و تجدید همه‌ی متون ایقان بر اساس نسخه‌ی ملا علی اکبر شه‌میرزادی است. بهاء در سال ۱۲۶۹ به بغداد رسید و پس از احیای بعضی درگیری‌های قبلی، به مدت دو سال با نام درویش محمد به نقشبندیان سلیمانیه پیوست و پس از آن به دعوت برادرش، میرزا یحیی صبح ازل، به بغداد بازگشت و با خواندن برادر کوچک‌تر به نام حضرت ازل و مستور کردن او، و خواندن خود با نام حضرت بهاء امور بایان را به عهده گرفت. او پس از سال ۱۲۶۹. ق، برای دومین بار در سال ۱۲۷۵. ق امر خود را اظهار کرد، ولی قبول عام نیافت و در معرض خطر قرار گرفت. با آمدن سید محمد تاجر شیرازی، دایی مسلمان و مخالف علی محمد باب، بهاء در ۱۲۷۷. ق برای اثبات حقانیت باب طی دو شبانه روز رساله‌ی خالویه را دو باب نگاشت که بعداً به کتاب ایقان تغییر نام یافت. او در این رساله به اشاراتی، بر فشار سنگینی اشاره کرده است که بر اثر اظهار امرش، بر او وارد شد. در هر حال، این رساله در خدمت تثبیت امر او قرار گرفت و پس از جدایی دو گروه ازلیان و بهائیان و سومین مرحله‌ی اظهار امر بهاء در ۱۲۸۰. ق، اهمیت بیشتری یافت. [۸]. محیط طباطبایی در نوشتار دیگری با نام «عظیم پس از باب و پیش از ازل» به اثبات ریاست شیخ علی عظیم پس از اعدام باب و ابطال جانشینی فرد دیگری مانند میرزا یحیی صبح ازل همت گمارده و در این خصوص از شواهد تاریخی و تصریح تواریخ بابی بهره گرفته است. [۹].

کتاب اقدس، آکنده از اغلاط ادبی و املائی

چنان که فوقاً اشاره شد، یکی از مقالات استاد در مجله‌ی گوهر، تطبیق نسخه‌های مختلف کتاب مقدس بهائیان: «اقدس»، (نوشته‌ی حسینعلی بهاء) با یکدیگر است که به طور مستند نشان می‌دهد مطالب این کتاب را (همچون دیگر تألیفات عادی بشری) اطرافیان بهاء در زمان چاپ، برای جلوگیری از ایراد اهل نظر، بارها دست کاری نموده و «اغلاط املائی و ادبی و دستوری» آن را «تصحیح» کرده‌اند. مقاله‌ی محققانه استاد در این زمینه را با عنوان «کتاب اقدس» در ذیل می‌خوانید: «نخستین بحث کتاب شناسی که قبلاً به نظر خوانندگان ماهنامه‌ی تحقیقی «گوهر» رسید مربوط به کتاب تاریخ قدیم و جدید بابیه بود که دنباله‌ی آن به موضوع کتاب مطالع الانوار، ترجمه‌ی دوان بریکرز [و] تألیف شوقی افندی، کشیده شد که پس از چاپ و انتشار، به ملا محمد نبیل، شاعر زرندی مداح میرزا حسینعلی بها نسبت داده شده بود. این بحث چند تن از مبلغان و پیش کسوتان معروف هر دو دسته‌ی بابی و بهایی را برانگیخت تا بر آن خرده بگیرند و رد و انتقادی بنگارند که پاسخ آن‌ها نیز بعداً در ضمن مقالات تکمیلی به استحضار خوانندگان

حقیقت جو رسید. اینک می‌خواهیم بحث تازه‌ی کتاب‌شناسی را در مورد «کتاب اقدس» تصنیف میرزا حسینعلی بها، بر پژوهندگان بی‌طرف عرضه داریم و برخی نکات و دقائق را که در طی مراجعه و مقایسه‌ی نسخه‌های متعدد خطی و چاپی این کتاب دریافته‌ایم، بر بساط پژوهش و سنجش قرار دهیم تا نظر خوانندگان را به سیر نظر درباره‌ی آن جلب کند. پیش از آغاز بحث، باید راجع به کیفیت تصنیف این کتاب نظری افکند و دید با وجودی که از تاریخ جدایی فرزندان میرزا بزرگ نوری در ۱۲۸۰ ق و تشکیل دو فرقه‌ی بهایی و ازلی و تفرقه‌ی میان آن‌ها از سال ۱۲۸۵، هر دو گروه در کشور عثمانی زیر اسم بابی به سر می‌بردند و بنا به تعهداتی که هنگام توقف بغداد و قبول تابعیت سپرده بودند، درباره‌ی عقیده‌ی مذهبی خود، که نوعی از تصوف معرفی شده بود، حق هیچ گونه تبلیغ و ترویج شفاهی و کتبی نداشتند و به همین سبب در طول مدت چهل سال، قادر به جذب افرادی از عنصر عرب و ترک و ارناؤط حتی به تعداد شماره‌ی انگلستان دو دست نشدند و هر کاری انجام می‌دادند، خواه در عکا و خواه در قبرس و از پیش در آدرنه و بغداد، در پرده‌ی استتار انجام می‌گرفت و مربوط به همان عده‌ی ایرانی بود که از کاشان و اصفهان و شیراز و تبریز و بلده‌ی نور دنبال ایشان به کشور عثمانی رفته بودند. پس از بیست و اندی سال، چند بار اظهار انکار و تکرار ادعا و سکوت، عاقبت در سال ۱۲۹۰ یا ۱۲۹۲ ق دفتری مشتمل بر شش هزار کلمه به نام «اقدس» به زبان عربی برای تسجیل انفصال و استقلال خود از بایان، در عکا تدوین شد که صورت‌های متعددی از آن به خط چند تن خطاط که با خود از این برده بودند در پرده‌ی استتار نوشته و به اتباع مطمئن سپرده شد. در ضمن تکرار استنساخ، نسخه‌ها گاهی به دست افراد عربی دانی می‌افتاد که در آن آثار ضعف انشا و نقص ماده ادبی می‌جستند. در سال ۱۳۰۸ که مدتی بود میرزا حسینعلی به واسطه‌ی پیری و بیماری، کارهای دنیوی و دینی خود را میان دو پسرش: عباس افندی (غصن اعظم) و میرزا محمدعلی (غصن اکبر) قسمت کرده بود و هر کدام در بخشی از امور دسته‌جمعی مشغول انجام بودند، میرزا محمد علی را، که خطی زیبا داشت، با میرزا آقاخان کاشی خادم، که از آغاز ادعا تا این تاریخ همواره یار و خادم وفادار بها مانده بود، به بمبئی فرستاد تا کتاب‌ها و نوشته‌های او را به چاپ برسانند. در ضمن بدیشان اجازه داد که در اصلاح عبارات کتاب‌ها تا جایی که زبان عیب جو بسته شود از سعی لازم دریغ نوزند. در نتیجه، صورت چاپ شده‌ی آثار بهاء نسبت به صورت خطی قبال از انتشار آن‌ها، اختلاف صورت پیدا کرد. اکنون پس از تقدیم مقدمه، به اصل مطلب می‌پردازیم. از نسخه‌های چاپی و خطی اقدس که تا ۲۵ سال پیش، گاهی دیده بودم، هرگز ذهن متوجه به امکان وجود اختلاف صورت و کم و بیش در مندرجات آن‌ها نشده بود، تا آنکه ۲۴ سال پیش نسخه‌ی اقدس چاپ حروف سربی بغداد را در آن شهر دیدم که از مطابقه‌ی چند نسخه‌ی خطی با یکدیگر، به تفاوت‌های موجود در آن‌ها پی برده و در پاورقی صفحه‌ها ضبط کرده بود. صرف نظر از اختلاف کلمه و کلمات، گاهی در برخی از صفحات آن تا چند سطر هم کم و بیشی دیده می‌شد. تا آنکه چند سال پیش، به نسخه‌ی چاپ ممتاز و معتمد که در حیات مصنف و با اجازه‌ی صریح او، به وسیله میرزا محمد علی غصن اکبر پسرش و میرزا آقاخان خادم کاشی در بمبئی اندکی پیش از مرگ صاحب کتاب به ضمیمه مقداری از نامه‌های عربی بها به اشخاص مختلف برخوردیم که در یک مجموعه مشتمل بر ۳۸۰ صفحه با خط نسخ خوب و خوانا به چاپ رسیده که تنها ۶۴ صفحه‌ی آن به متن اقدس اختصاص یافته و ۳۱۵ صفحه‌ی دیگرش شامل نامه‌های بی‌عنوانی می‌شود که محل فصل و وصل غالب آن‌ها در متن مشخص و معین نشده است. متأسفانه در این موقع، نسخه‌ی اقدس چاپ بغداد یا نسخه‌ی خطی مربوط به قبل از تاریخ ۱۳۰۸ هجری نخستین چاپ کتاب، در دسترس نبود تا با مطالعه، معلوم دارد آیا اختلاف نسخه‌ها در نسخه‌ی چاپ استاندارد بمبئی هم وجود دارد یا نه؟ پنج سال پیش از این، شادروان حبیب‌الله عتیقه فروش اصفهانی چند جلد کتاب چاپی و خطی از آثار بهائیان را، که در بمبئی به چاپ رسیده بود، با دو مجموعه خطی از مکاتیب میرزا حسینعلی را برای فروش و تقدیم بر این جانب عرضه داشت که از آن میانه یک مجموعه‌اش در ۱۲۹۴ هجری یعنی شانزده سال پیش از مرگ بها نوشته شده بود و جلب توجه مرا کرد. پس از تعیین بهای کتاب‌ها، از او خواستم این مجموعه ۹۴ را یکی دو روز در دسترس من بگذارد و با اجازه‌ی او، از اول و آخر بخش اول آن

مجموعه، زیرا کسی برداشته شد. خط این مجموعه به خط متعارف میرزا محمد علی و میرزا عباس و برخی از نویسندگان نزدیک به میرزا حسینعلی فوق‌العاده نزدیک بلکه بیشتر به خط عباس افندی پیش از دوران پیری و لرزش دست و خط شباهت دارد. خوشبختانه چند نسخه از این مجموعه‌ی خطی و چاپی را یکی از کتاب دوستان معاصر خریده و اکنون در تصرف دارد و نمی‌داند که او بدانچه در این مقاله از بابت نسخه‌شناسی مجموعه مکاتیب معهود گفته می‌شود آگاهی یافته یا نه؟ محتویات این مجموعه (۹۴) عبارت است از: ۱ - کتاب اقدس که در پایانش تاریخ چهارشنبه ۷ صفر المظفر ۱۲۹۴ دارد. در ذیل آخرین صفحه، صورت مکتوبی از بهاء به یکی از مریدان او نوشته شده که طرف مکاتبه معلوم نیست. ۲ - کلمات مکنونه فارسی که بعداً در حاشیه صفحات آن چیزهایی افزوده شد و تاریخ آن ۱۴ صفر ۱۲۹۴ است. ۳ - سر مکنون عربیه که در همان زمان و به همان قلم نوشته شده ولی رقم تاریخ ندارد. ۴ - نوشته‌ای است مفصل در اثبات حقانیت دعوی بها که نویسنده‌ی آن شاید عبدالباها یا میرزا آقاجان باشد. چه، در ضمن آن می‌نویسد: «این عریضه‌ای است از این عبد موسوم به عبد حاضر لدی العرش به سوی شاربان رحیق... و به لسان پارسی عرض می‌شود...». ۵ - مکتوبی است کوتاه از بها به آقا جمال بروجردی که پیش این دو فرقه، بعدها معروف به گفتار، و مطرود شده بود؛ ۶ - مکتوبی است به شیخ مرتضی انصاری علیه الرحمه که شاید هرگز به دست آن مرحوم نرسیده باشد؛ ۷ - مکتوب دیگری است که مخاطب آن معلوم نیست؛ ۸ - نوشته‌ای است مفصل بر رد [برادر بها، میرزا یحیی صبح] ازل به طرفداری از بها که با خط بدی در کنار صفحه‌ی اولش این عنوان را یافته است: «کتاب حب حیب و بطلان ازل»؛ ۹ - دعایی برای شفای بیمار از بها؛ ۱۰ - لوح سلطان ایران یا عریضه‌ی بها به ناصرالدین شاه در سلب تهمت شرکت بایان در سوء قصد به شاه؛ ۱۱ - زیارت نامه‌ی بدیع که باید نه مرتبه رو به طرف مشرق بخوانند؛ ۱۲ - مناجات گونه‌ای از بها که در حاشیه‌ی آن دعای کارگشایی او نوشته شده است؛ ۱۳ - مکتوبی به خط متوسط، که طرف خطاب بها در این نامه محمد علی دهجی است که پیک نامه بر بها در ایران بود و در همین نامه هم مأموریت داشته که به کرمان و شهر بابک و حسن آباد و بهرام آباد برود و پیام برساند. آنچه که از این مجموعه، مورد نظر ما در این مقاله قرار دارد همانا اقدس، یعنی بخش اول آن مجموعه است که چهارده سال پیش از چاپ استاندارد بمبئی، به خط یکی از یاران نزدیک به بها نوشته شده و در آخر آن این عبارت «ختمتها فی یوم چهارشنبه ۷ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۹۴» است. از روی جمله‌ی «ختمتها» قرینه اصالت خاصی به دست می‌دهد که گمان خط مؤلف بودن را پیش می‌آورد. این نسخه دو یا چهار سال (نسبت به دو قول منقول) بعد از تدوین اصل کتاب قلمبند شده و نمی‌دانیم آیا نسخه‌ای بدین قدمت در اختیار حضرات بهائی در فلسطین و ایران هست یا نه؟ پنج شش سال پیش آنان می‌خواستند به مناسبت تصادف سال ۱۳۹۰ هجری با صدمین سال قمری تدوین اقدس، کتاب مزبور را در صورت تازه‌ای با تشریفات جشن یادبود مخصوصی انتشار بدهند و پس از سال‌های متمادی که دیگر به هیچ وجه نسخه خطی و چاپی تازه‌ای از آن در اختیار مریدان قرار نگرفته بود اقدس چاپ جدیدی در دسترس ایشان قرار دهند. نمی‌دانم چه باعث شد که بار دیگر بلا حاصل، و تصمیم به سکوت و نسیان امر گرفته شد. شاید موضوع زبان کتاب، باعث بر این تصمیم به فرو گذاشت شده باشد. چه، در میان این فرقه به ندرت پیرو عرب‌زبانی پیدا می‌شود که از این متن عربی بتواند استفاده کند و آنان که زبان عربی را نیکو آموخته باشند از درک معنی و لفظ عبارات، آن لذتی را که از یک اثر ادبی و مذهبی و اخلاقی معروف عربی می‌برند انتظار نخواهند داشت. چنان که می‌دانیم ۹۷ درصد کسانی که در آسیا و آمریکا و آفریقا به این اسم و رسم شناخته شده‌اند، فارسی زبان مادری ایشان است و به زبان اقدس، که عربی خاصی است، کوچک‌ترین آشنایی ندارند. در این صورت انتشار ترجمه‌ی فارسی آن، به طور مسلم بر چاپ متن عربی خیلی ترجیح دارد، عجب است که در طی صد سال متوالی، هرگز حضرات درصدد ترجمه‌ی این کتاب مهم خود به زبان دیگری، اعم از فارسی و انگلیسی و اردو و ترکی و غیره، برنیامده‌اند و تاکنون اگر احیاناً به زبان دیگری ترجمه شده باشد، از طرف مسیحیان روسی و امریکایی بوده، چنان که تومانیسکی، خاورشناس روس، در ۱۸۹۹ میلادی ترجمه‌ای از اقدس به روسی کرد و در ۱۹۶۱ این دفتر به وسیله‌ی الدرود

میلر، از داعیان پروتستانی امریکایی، که سال‌ها در ایران زیسته بودند، به زبان انگلیسی ترجمه و چاپ و انتشار یافت، در صورتی که هنوز یک فرد یا هیأت بهایی در شرق و غرب دست به چنین اقدامی نزده است، این مسامحه و دفع الوقت در ترجمه و تفسیر و چاپ متن اقدس به تدریج تولید چنین بدگمانی کرده که این فرقه بدین کتاب اساسی خود توجهی ندارد، در صورتی که جز آن هم مبنایی برای تشخیص وظایف و تکالیف شرعی خود نمی‌تواند سراغ کنند. اقدس از حیث حجم مطلب تخمیناً به اندازه‌ی یک نهم کتاب خداست که جمع کلمات قرآن کریم بنا به محاسبه‌ای ۶۶ / ۰۰۰ کلمه می‌باشد و هفت هزار کلمه‌ی عربی برای ترجمه یا چاپ تازه چندان تولید زحمت و صرف وقت نمی‌کند. پس این بی‌توجهی را باید معلول علت اساسی دیگری دانست که برای امثال اغیار درست آشکارا نیست. وقتی به این متن قدیمی اقدس دسترسی حاصل شد که چهار سال پس از تاریخ تدوین اصل و چهارده سال پیش از تاریخ نخستین انتشارش تحریر یافته و همه قرائن نسخه‌شناسی از خط و کاغذ و اسلوب تحریر، اصالت و قدمت نسخه چاپ استاندارد بمبئی غنیمت شمرد و آن‌ها را با یکدیگر از آغاز تا انجام سنجید. در ضمن تطبیق به ندرت صفحه‌ای از نسخه‌ی چاپی را با متن خطی قدیم (۹۴) مطابق یافت، بلکه موارد اختلاف در ۶۴ صفحه به بیش از دویست مورد می‌رسید که در صفحه‌ی ۵۷ و ۶۰ حتی چند سطر متوالی از نسخه‌ی چاپی حذف شده بود. نسخه‌ی خط ۱۲۹۴ چنین به پایان می‌رسد: «هذا سبب الاتحاد لو انتم تعلمون و العله الكبرى للاتفاق و التمدن لو انتم تشعرون. انا جعلنا الامرین علامتین لبلوغ العالم و هو الالاس الاعظم نزلناه فی الواح اخری، و الثانی نزل فی هذا اللوح البدیع. ختمتها فی یوم چهارشنبه ۷ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۹۴». در صورتی که نسخه‌ی چاپ بمبئی بدین سان پایان می‌پذیرد: «... و الثانی نزل فی هذا اللوح البدیع. قد حرم علیکم شرب الافیون انا نهیناکم عن ذلک نهیا عظیما فی الکتاب و الذی شرب انه لیس منی، اتقوا الله یا اولی الالباب». بدین ترتیب، معلوم می‌شود حرمت شرب افیون یا به عبارت دیگر کشیدن تریاک بدین صراحت سال‌ها بعد از تدوین کتاب اقدس و در حین اقدام به طبع، بر آن افزوده شده است. پس از تطبیق نسخه‌ی چاپی با نسخه خطی، موارد اختلاف را در کنار صفحه‌ها بر حاشیه‌ها یادداشت کرد و به بررسی آن‌ها پرداخت و دریافت آنچه که در نسخه‌ی چاپی غالباً تغییر یافته همانا کلماتی بوده که از نظر قواعد زبان عربی به نظر ناشران مجاز کتاب، درست نیامده و بنا به اجازه‌ای که از طرف بها در دست داشتند به اصلاح و تبدیل آن‌ها پرداخته‌اند. این اصلاحات، گاهی املائی بوده مانند عفی در سطر ۷ از صفحه‌ی ۵ نسخه خطی که به عفا‌ی چاپی اصلاح شده و یا آنکه از نظر نحوی، تصور اشکالی می‌شده مانند ان یبلغ رشدهم خطی که ان یبلغوا رشدهم در نسخه‌ی چاپی شده است. این نوع تغییر کلمات، قسمت اعظم اختلاف را در برمی‌گیرد و کم کردن چند سطر در صفحه‌های ۵۷ و ۶۰ گویی به رعایت بلاغت لازم شده ولی افزایش حکم تریاک در پایان نسخه‌ی چاپی شاید بنا بر ضرورتی مربوط به موقع چاپ صورت گرفته باشد و آن موضوع دخالت فقهای شیعه‌ی ایران در کار کشیدن تنباکو و توتون و تأثیر فوق العاده‌ای که فتوای حرمت دود در ایران بخشیده بود سران این فرقه را هم به بذل همتی و ادار ساخته است. به هر صورت چنان که در نسخه‌ی هو صاحب الحب و الوفاق فی بیان... که در ۱۳۱۵ هجری هنگام در بمبئی به چاپ رسیده میرزا محمدعلی غضن اکبر و میرزا آقاخان خادم اجازه‌ی تجدید نظر در نوشته‌های بهاء الله و از جمله اقدس داشته‌اند و بر این اساس، آنچه را که در اقدس از آرایش و افزایش و کاهش لفظ عبارت روا دیده‌اند به کار برده‌اند و در نتیجه میان اقدس خطی و چاپی اختلاف صورت فوق العاده به وجود آورده‌اند. پیش از آنکه نسخه‌ی اقدس چاپ بغداد انتشار یابد، مردم عرب زبان عراق و سوریه و فلسطین و مصر به ندرت از وجود چنین کتابی در دست حضرات آگاهی داشتند و دوراندیشی عقلای فرقه در دور نگاهداشتن کتاب اقدس از چشم قوم عرب، شاید تنها مربوط به مخالفت وجود چنین کتابی با صورت ظاهر ادعای آنان نبوده که فرقه‌ای از صوفیه شمرده می‌شدند، بلکه برای عدم استحضار فضلا و ادبای عرب بر اسلوب تحریر چنین کتابی بوده که لااقل در هر صفحه آن از لحاظ عربی نویسی به طور متوسط سه چهار مورد قابل اعتراض به نظر می‌رسید. پیش از بروز اختلاف میان فرزندان بهاء، چنین معمول شده بود که اقدس را با وصیت‌نامه‌ی بهاء یا کتاب عهد [ی] و مجموعه سؤال و جوابی درباره‌ی احکام غیر

منصوص با هم بنویسند، در یک مجموعه که نسخه‌ای از آن به خط زین‌المقربین در سال ۱۳۱۰ به اختیار انور و دود (مهاجر بهائی‌زاده و برگشته از حيفا و عکا) بود که از آن در کتاب ردیه‌ی خود جمله‌ها و کلیشه‌های متعدد نقل کرده است و نوشته که نسخه‌ی دیگری از همین مجموعه را یکی از خویشاوندان او به موزه‌ی بریتانیا داده است. بعدها که موضوع کتاب عهدی منتفی شد و اغصان آن شجره مورد سب و طعن بهائیان قرار گرفتند، گویی در میان آن رساله سؤال و جواب فارسی با متن عربی اقدس جنسیتی دیده نمی‌شد که هر دو را از پهلوی اقدس عربی جدا کردند. مسلم است هر بهائی و بهائی‌زاده طرفدار عباس افندی و شوقی افندی که میرزا محمدعلی غصن اکبر و میرزا آقاخان خادم را ناقض و دشمن و سزاوار سب و لعن می‌داند، حاضر نیست کتابی را که این دو تن هنگام چاپ به اصلاح آن همت گماشته‌اند و حتی الامکان از نقاط قابل اعتراض آن کاسته‌اند به چشم رضا و رغبت بنگرد و یا آنکه به تجدید چاپ و انتشار آن همت گمارد. چه، این اقدس، در حقیقت، اقدس غصن اکبری است نه غصن اعظمی. از طرف دیگر، صرف نظر کردن از اصلاحات و تغییرات مسطور و مطبوع و بازگشت به صور خطی نامطبوع، بار دیگر سراسر متن اقدس را در معرض انتقاد ناقدان خودی و بیگانه قرار می‌دهد و به اشکالات املائی و صرفی و نحوی و بیانی آن ناگزیر از اشاره خواهند بود. پس همان بهتر که این کتاب پرماجرا را مانند هشتاد سال گذشته نادیده بگیرند و از آن مانند مجردات نامقید و غیر قابل مشاهده سخن بگویند.» [۱۰].

پاورقی

- [۱] محیط ادب، مجموعه‌ی سی گفتار به پاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات سید محمد محیط طباطبایی، به کوشش حبیب یغمایی و...، تهران، از انتشارات مجله‌ی یغما، اسفند ۱۳۵۷، مقدمه‌ی کتاب.
- [۲] اظهارات فرهیختگان فوق، در خلال مقالاتشان در کتاب «محیط ادب» و دیگر آثار آمده است.
- [۳] سید محمد محیط طباطبایی، «کتابی بی‌نام با نامی تازه»، گوهر، سال ۱۳۵۳، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۹۵۲ - ۹۶۱؛ سید محمد محیط طباطبایی، «تاریخ قدیم و جدید»، گوهر سال ۱۳۵۴، ش ۵، صص ۳۴۸ - ۳۴۳ و ش ۶، صص ۴۲۶ - ۴۳۱.
- [۴] سید محمد محیط طباطبایی، «از تحقیق و تتبع تا تصدیق و تبلیغ فرق بسیار است»، گوهر، سال ۴، ش ۲ (شماره مسلسل ۳۸)، صص ۱۱۳ - ۱۲۰ و ش ۳ (شماره مسلسل ۳۹)، صص ۲۰۰ - ۲۰۸.
- [۵] سید محمد محیط طباطبایی، «ادامه‌ی بحث درباره‌ی نقطه الکاف»، گوهر، سال ۴، ش ۶ (شماره مسلسل ۴۲)، صص ۴۶۶ - ۴۷۱ و ش ۷، (شماره مسلسل ۴۳)، صص ۵۵۶ - ۵۶۲.
- [۶] سید محمد محیط طباطبایی، «کتاب اقدس»، گوهر، سال ۴، ش ۱۰، دی ماه ۲۵۳۵ (شماره مسلسل ۴۶)، صص ۸۲۰ - ۸۲۴ و ش ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۵.
- [۷] (شماره‌ی مسلسل ۴۷ و ۴۸)، صص ۹۰۶ - ۹۱۰.
- [۸] سید محمد محیط طباطبایی، «برهان قاطع»، گوهر، سال ۵، ش ۷ (شماره مسلسل ۵۵)، صص ۵۰۱ - ۵۰۷.
- [۹] سید محمد محیط طباطبایی، «رساله‌ی خالویه یا ایقان»، گوهر، سال ۵، ش ۱۱ و ۲۱ (شماره مسلسل ۶۰ - ۵۹)، صص ۸۲۲ - ۸۳۱.]
- [۱۰] سید محمد محیط طباطبایی، «عظیم پس از باب و پیش از ازل»، گوهر، سال ۶، ش ۳ (شماره مسلسل ۶۳)، صص ۱۷۸ - ۱۸۳ و گوهر، سال ۶، ش ۴ (شماره مسلسل ۶۴)، صص ۲۷۱ - ۲۷۷.
- [۱۱] برای مشاهده‌ی تصویر صفحات این مجموعه‌ی خطی و نیز کتاب اقدس چاپ ۱۳۰۸ بمبئی به اصل مقاله‌ی استاد محیط در مجله‌ی گوهر مراجعه شود: سید محمد محیط طباطبایی، همان، ش ۱۰، صص ۸۲۳ و ۸۲۲، ش ۱۱ و ۱۲ صص ۹۰۹ و ۹۰۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/حد فاصل خیابان پنج‌رمضان و چهارراه وفائی /مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبان: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

